

قرارداد استعماری ۱۹۱۹ م

محمد رضا جباری



وجه بسا برای مصالح کشور مفید به نظر برسد، ولی اگر قدری با تأمل و با توجه به مسائل دقیق سیاسی و سابقه استعماری انگلستان به آن نگریسته شود، روشن می‌گردد که این توافقنامه تاجه حدّ به زیان کشور و مصالح آن بوده است.

زمینه های قرار داد ۱۹۱۹

مورخین و ناظرین تاریخ معاصر، زمینه های موجود برای قرار داد ۱۹۱۹ را به چهار دسته مختلف تقسیم نموده اند.

۱- تحولات جهانی

در سال ۱۹۱۹ م. که جنگ جهانی اول به تازگی پایان یافته بود. و رقبای سنتی انگلستان هریک به نحوی از صحنه سیاست خاورمیانه کنار رفتند. آلمان به عنوان يك قدرت بزرگ نظامی شکست خورده از عرصه سیاستهای شرق نزدیک بیرون رفت. روسیه بخاطر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ دچار مشکلات داخلی شد و در این راستا بریتانیا از قید پیمانهای که سابقاً با دولت تزاری داشت بکلی آزاد گردید. دولت عثمانی متلاشی شد. آمریکائیز

نتیجه :

در تاریخ معاصر ایران کم نیست فرار دادهای استعماری که بین ایران و دول استعمارگر، بخصوص انگلستان، منعقد شده است.

عوامل و یادی استعمار همیشه به هنگام انعقاد پیمانها و قراردادهای، بازیگری خاصی وارد شده و خواستها و نظریات خود را در قالب عبارات فریبنده تحمیل کرده اند. متأسفانه در بیشتر موارد، رجال سیاسی و دولتمردان ایران یا به دلیل خیانت و وابستگی به یکی از دول استعماری، و یا به دلیل سادگی و عدم شم سیاسی، موجبات انعقاد قرار دادهای ننگین و زیانباری را فراهم آورده اند که در بیشتر موارد به مرحله اجراء درآمده است.

یکی از قراردادهای استعماری، قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس است که به عبارت صحیحتر باید آنرا قرار داد - وثوق الدوله - کاکس نامید، زیرا این قرار داد هرگز به تصویب مجلس ایران نرسید و در حد توافق و امضاء نامبردگان باقی ماند. این قرار داد، مانند سایر قراردادهای دارای عباراتی جالب و فریبنده است به طوری که در نظر اول جنبه استعماری آنها مشخص نیست

که در آن زمان علاقه خاصی به ورود در گردونه سیاستهای استعماری دول اروپائی نداشت سعی کرد خود را هرچه زودتر از غوغای کنفرانس صلح ورسای خلاص کند.

بنابراین زمینه مساعد جهت تحقق اهداف سیاسی بریتانیا درایران فراهم شد، و سرنوشت خاورمیانه (به استثناء سوریه و لبنان که قیمومیشان به فرانسه سپرده شده بود) عملاً در دست بزرگترین دولت فاتح آن زمان یعنی بریتانیا قرار گرفت (۱)

۲- سیاست انگلستان درخاورمیانه

هنگامی که دولتمردان انگلستان بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه به فرو پاشی نهائی حکومت تزاری پی بردند، به این نتیجه رسیدند که لحظه مناسب جهت نادیده گرفتن مفاد موافقتنامه سال ۱۹۰۷ (۱۲۸۶ شمسی) که کشور ایران را به دو منطقه نفوذ شمال و جنوب تقسیم می کرد، فرا رسیده است. و بعقیده خودشان از این طریق می توانستند قیمومیت خود را بر این کشور تحمیل نمایند، بخصوص که به شدت از سرایت افکار و اشاعه مرام و مسلک روسیه شوروی درایران بیم داشتند و بدینجهت سعی داشتند با انعقاد این قرار داد تمامی امور نظامی و اقتصادی ایران را تحت کنترل گرفته و از نفوذ روسها ممانعت بعمل آورند. (۲)

۳- موقعیت استراتژیک ایران

طراح اصلی قرار داد، لرد کرزن، به ضرورت ایجاد زنجیره ای از کشورهای حائل که روسیه را از هند جدا کند، و هیچ کدام تحت نفوذ و سلطه روسیه نباشند، قائل بود، و آن را از ارکان مهم سیاست دفاع از هند می شمرد، در نظر او ایران مهمترین حلقه این زنجیر را تشکیل می داد. تا موقعی که جنگ ادامه داشت نیروهای انگلیسی، دوش بدوش روسیه تزاری جلو مطامع آلمانها و ترکها را درایران سد کرده بودند، و همین نیروها بودند که بعد از انقلاب روسیه و شکست آلمان و عثمانی در قفقاز، تقریباً تمام قسمتهای حساس ایران را تحت اشغال نظامی خود درآوردند. همین امر موجب تحریک سوء ظن روسها شد، و حوادث بعد از جنگ جهانی اول، مثل، اشغال ایالت گیلان، و استقرار نیروهای سرخ در نواحی شمال کشور ما، نتیجه همین سوء ظن بود.

منظور لرد کرزن از انعقاد قرار داد ۱۹۱۹، استقرار نوعی نظام مستشاری و به تحت الحمايه درآوردن غیر مستقیم ایران بود، زیرا، بعد از اتمام جنگ حضور آن همه قوای انگلیسی درایران توجیه پذیر نبوده، و لازم بود برای ادامه نفوذ درایران چاره دیگری اندیشیده شود. (۳)

۴- عوام فریبی بریتانیا

دردوران پس از جنگ جهانی اول، حضور تعداد زیادی نیروی انگلیسی و هندی در خاک ایران، احساسات ملی شدیدی را برانگیخت. اعدام افراد فراری از تفنگداران جنوب، دستگیری و تبعید مخالفان سیاسی توسط انگلیسیان، اخراج کارمندان ناموافق ادارات، وارد کردن فشار به شاه برای انتخاب وزراء هوادار انگلیس، همه و همه موجب احساسات شدید و ضد انگلیسی در بین مردم شد. شایعات مربوط به دخالت انگلستان در گرانی خوار و بار و گرسنگی مردم، و خود داری انگلستان و متفقین از قبول داد خواهی ایران در کنفرانس صلح پاریس نیز، به جو مخالفت و نفرت علیه انگلستان دامن می زد. ولذا اقدامی در جهت آبرو بخشیدن به انگلستان و ایجاد جو خوشبینی در بین مردم ایران، ضروری می نمود. (۴)

از این رو زمینه برای طرح چنین قرار دادی که، در ظاهر حامی استقلال ایران بود و موجب از بین رفتن جو ضد انگلیس می شد، و در باطن، قیمومیت این کشور را در موارد مهمی مثل مسائل اقتصادی و نظامی به مستشاران انگلیسی می سپرد، فراهم شد و این همان چیزی بود که با موفقیت در مصر تجربه شده بود.

چگونگی مذاکرات قرار داد:

عامل و طراح اصلی قرار داد لرد کرزن بود که در جامعه روحانیت بریتانیا مقامی داشت و از طبقه اشراف انگلستان بود. وی پس از سفرهای متعدد و طولانی به نقاط مختلف جهان و کسب تجارب فراوان و عهده داری مناصب و پستهای گوناگون، سرانجام در سال ۱۹۱۹ م. به مقامی که همیشه آرزومندش بود یعنی ریاست دیپلماسی انگلستان رسید.

وی در سال ۱۹۱۹ م. مقام کفالت وزارت خارجه انگلستان را عهده دار شد. و در این زمان، یکی از مأموران لایق

و متجرب خود به نام سرپرسی کاکس را به عنوان وزیر مختار بریتانیا در ایران انتخاب ، او را مأمور مذاکره پیرامون قرار داد مورد نظر نمود. (۵)

طرف مذاکره کاکس و ثوق الدوله ، نخست وزیر احمد شاه ، و برخی از وزرای او بودند . سرپرسی کاکس پس از ورود به ایران حدود ۹ ماه سرگرم مذاکره با ثوق الدوله بود ، طبق گزارش لرد کرزن به دولت مردان بریتانیا احمد شاه در طی این مدت ناظر بر مذاکرات بود ، و نسبت به قرار داد نظر مساعدی داشت . این مذاکرات بصورت بسیار محرمانه زمانی صورت گرفت که هیئت اعزامی ایران برای احقاق حق در «کنفرانس صلح ورسای» بسر می برد ، و یا تحقیق این مذاکرات تمام زحمات آنها پر باد رفت . (۶) حاصل این مذاکرات ، امضاء قرار داد مالی - نظامی ایران و انگلیس بود که در تاریخ ۹ اوت سال ۱۹۱۹ م . به امضاء ثوق الدوله و کاکس رسید ، و در همان روز کاکس گزارش کار را طی تلگرافی به لندن مخابره نمود (۷)

انگلیسیها برای تسهیل امضای قرار داد ، به ثوق الدوله ۲۰۰ هزار تومان ، و به نصرت الدوله (وزیر خارجه) و صارم الدوله (وزیر دارایی) هر کدام ۱۰۰ هزار تومان رشوه پرداخت کردند . در ضمن پیش از تقسیم پولها به کاکس دستور داده شده بود که حتی المقدور سعی کند مبلغ رشوه را تقلیل دهد. (۸)

در کتاب «انگلیسیان در ایران» آمده است : رشوه پرداخت شد بخشی از وامی بود که انگلستان تصمیم داشت به ایران پرداخت کند . (۹) از اینجا به عمق حماقت و خیانت این به اصطلاح رجال سیاسی می توان پی برد که این چنین ، آلت دست مأموران زیرک و کارکنسته استعمار شده بودند . ناگفته نماند که این سه نفر نتوانستند تمام پول دریافتی را مورد استفاده قرار دهند زیرا ، رضا خان پس از به قدرت رسیدن روزی به تقسی زاده می گوید : این حرامزاده ها (مقصودش سه وزیر مذکور است) پول از انگلیسی ها گرفته اند و باید به خزانه دولت برگردانند ، (۱۱) و تقی زاده را مأمور باز پس گیری پولهای کند ، او نیز پولها را گرفته و آنها را به خزانه دولت برمی گرداند (۱۰)

ثوق الدوله و دو وزیر دیگر ، چون از عاقبت امر خود بیمناک بودند از بریتانیا تضمین نامه کتبی خواستند که در صورت سقوط کابینه و ثوق و پیا خاستن شورش ، انگلستان آنها را در یکی

از مستملکات خود پناهندگی دهد ، و همچنین در مدت پناهندگی حقوقی برابر عایدات شخصی آنها در ایران ، به آنها پرداخت شود ، که فقط تقاضای اول پذیرفته شد . (۱۱)

انتشار قرار داد :

در مورخه ۱۳ ذی القعدة ۱۳۳۷ هـ . ق . مطابق با ۱۹۱۹ م . (یکسال پس از زمامداری و ثوق الدوله) اعلامیه ای از جانب و ثوق الدوله ، رئیس الوزراء ، به انضمام متن قرار داد و یادداشت سرپرسی کاکس ، در تهران منتشر شد .

ثوق الدوله در این اعلامیه سعی کرده بود امضای قرارداد را يك خدمت برجسته به ایران معرفی نماید و خود را به عنوان نخست وزیری قهرمان و دلسوز که دردهای کشور را شناخته و به کمک کاکس دواي مناسب برای آن پیدا کرده ، بنمایاند . وی سعی کرده بود انگلستان را يك قدرت بزرگ خیر خواه معرفی کند که حاضر شده با کمکهای مالی و نظامی به ایران (در حالیکه ایران در بدترین وضع نظامی و اقتصادی قرار دارد) بزرگترین خدمت را به این کشور بنماید . (۱۲)

خلاصه متن قرار داد ۱۹۱۹ م . :

این قرار داد از دو بخش تشکیل شده است :

الف - بخش سیاسی - نظامی

ب - بخش مالی (وام)

الف) در بخش سیاسی - نظامی قرار داد آمده است : نظر به عوالم محبت و دوستی که از دیر باز بین دو کشور بوده ، و با اعتقاد به اینکه منافع مشترک و اساسی ، دوام این دوستی را ایجاد می کند ، لذا حکومت ایران و وزیر مختار اعلی حضرت پادشاه انگلستان در مواد و شرایط زیر توافق کردند :

۱) حکومت بریتای کبیر به صریحترین و مؤکدترین بیان ممکن ، استقلال و تمامیت ارضی ایران را تأیید می کند .

۲) حکومت بریتانیا به خرج دولت ایران هر مقدار کارشناس و مستشار که پس از شور و مذاکره حضورشان ضروری تشخیص داده شود ، برای اصلاح وزارتخانه ها و دواير دولتی در اختیار ایران می گذارد .

۳) دولت بریتانیا متعهد می شود به خرج دولت ایران ،

هر تعداد افسر، نیرو و هرمیزان اسلحه و مهمات پیشرفته که برای نوسازی ارتش لازم باشد، در اختیار ایران قرار دهد.

۴) حکومت بریتانیا حاضر است اعتبارات مالی لازم برای اجرای اصلاحات مندرج در مواد ۲ و ۳ را به صورت وافی در اختیار ایران بگذارد.

۵) حکومت بریتانیا برای اصلاح راهها و وسایل ارتباطی در ایران، وبه منظور گسترش تجارت و جلوگیری از قحطی، حاضر است برای ساختمان راه آهن و راه شوسه و سایر طرق مواصلاتی، سرمایه گذاری کند.

۶) کابینتین عاقد قرار داد موافقت که کمیسیون مختلط از کارشناسان دو کشور تشکیل شود تا تشکیلات گمرک نوسازی شود.

ب- در بخش مالی قرار داد (وام): آمده است:

۱) انگلستان ۲ میلیون لیره استرلینگ به عنوان وام برای اصلاحات منظور در قرار داد اصلی، در اقساط و مدت معین پرداخت می کند.

۲) حکومت ایران متعهد می شود که بهره وام را ماهانه به مبلغ سالیانه ۷٪ پرداخت کند.

۳) کلیه درآمدها و عواید گمرکی کشور از این بیعند در صورت لزوم صرف تأدیة وام کنونی می شود.

۴) حکومت ایران حق دارد وام کنونی را در هر موقع که مایل بود از محل اعتبار وامهای جدید مستهلك سازد. (۱۳)

تحلیل قرار داد:

از دقت در متن قرار داد واضح می شود که، طبق این قرار داد، انگلستان تسلط وسیعی بر امور اقتصادی و نظامی ایران بدست می آورد، و می توانست بدون رقیب تمام طرحهای استعماری خود را در ایران به مرحله اجراء درآورد. نتیجه این قرار داد تسلط کامل و انحصاری انگلستان بر ایران بود. اگر این قرار داد به مرحله عمل می رسید نه فقط نفت جنوب، بلکه منافع نفت شمال و کلیه امور اقتصادی ایران برای مدت طولانی و غیر قابل پیش بینی تحت کنترل انگلستان قرار می گرفت، و درست همین امر بود که رقبای جهانی انگلستان، نظیر فرانسه و آمریکا را وادار کرد تا با قرار داد مخالفت نمایند.

*** اگر این قرار داد به مرحله عمل می رسید نه فقط نفت جنوب، بلکه منافع نفت شمال و کلیه امور اقتصادی ایران برای مدت طولانی و غیر قابل پیش بینی تحت کنترل انگلستان قرار می گرفت.**

انگلستان تمام شرائط استعمار ایران را در خلال جملات قرار داد تأمین کرده بود، زیرا مفهوم قرار داد، دولت ایران را مکلف می ساخت تا منحصرأ از دولت انگلستان مستشار بخواهد، از آن کشور استقراض کند، قوای نظامی ایران تحت نظر افسران انگلیسی باشد، راه آهن ایران و هیچگونه وسیله نقلیه جز به میل انگلستان در ایران بکار نیفتد، جرح و تعدیل تعرفه های گمرکی به دلخواه آنان صورت گیرد، تمام عواید گمرکی درست در اختیارشان باشد و در يك كلام، دولت ایران زیر نقاب همین عبارات ظاهر فریب، از استقلال سیاسی و اقتصادی خود محروم شود، و تازه نام این کار را احترام به استقلال و تمامیت کشور، آنهم با قاطعیت هرچه تمامتر بگذارند! (۱۴)

گرچه ظاهر قرار داد وانمود می کند که به نفع وضعیت اقتصادی و نظامی و گمرکی ایران است ولی، شم سیاسی بزرگمردی چون مدرّس (ره) لازم است که بفهمد در پشت پرده چه خیر است. همیشه منعقدین قرار دادها - چنانچه خود معترفند - به آن چیزی عمل می کنند که در نیت باطنی آنها بوده و نه آنچه در الفاظ و عبارات آورده شده، ولذا مرحوم مدرّس فرمود: «مثلاً آمدند قرار داد درست کردند، دستی از غیب برون آمد و بر سینة نامحرم زد، هرچه کردند نشد، هی آمدند به من گفتند این قرار داد کجایش بد است؟ کدامیک از مواذش بد است، بگوئید اصلاح

خود را مکلف به جنگ کردن با کسانی می دانستم که این قرار داد را بسته بودند جنگ هم کردیم و شکستشان دادیم. و در نطق دیگری می فرماید «۱۳ ذی القعدة روز نحسی است برای ایران، و یک قرار داد منحوسی بدون اطلاع احدی منتشر شد، تمام ملت ایران مخالف بودند به استثنای ۶۸۴ نفر که اصولاً و فروعاً، قاصراً و یا مقصراً و یا سیاستاً و کسباً، در تمام ملت ایران موافقت کردند، که من اسامی همه آنها را در کتاب زردی که بعد از مرگم منتشر خواهد شد یک یک یاد داشته ام» (۱۶)

دربین دول خارجی نیز فرانسه، آمریکا و روسیه مخالفت شدید خود را با این قرار داد ابراز نمودند، و مسلم است که این مخالفتها به جهت دلسوزی برای ملت ایران نبود بلکه از رقابت استعماری آنان با انگلستان ناشی می شد. زیرا با تصویب قرار داد، توازن سیاسی در منطقه و ایران به نفع انگلستان به هم می خورد و کفه نفوذ انگلستان سنگینتر می شد. لذا کشورهای رقیب انگلستان با توسل به قانون حقوق بشر، قانون ۱۴ ماده ای ویلسون، و قوانین جامعه ملل مبنی بر عدم تجاوز به حقوق سایر ملل، توانستند مخالفت خود را اعمال کنند.

احمد شاه و قرار داد:

اکثر مورخین احمد شاه را از جریان مذاکرات و امضاء قرار داد بیرون می دانند، ولی اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلستان خلاف این مدعی را اثبات می کند. احمد شاه نه تنها در جریان مذاکرات قرار داد ۱۹۱۹ بود و مخالفتی با آن نداشت، بلکه از انگلستان برای امضاء قرار داد درخواست رشوه نیز نمود، که از دو قلم مهم تشکیل می شد:

(۱) پرداخت مقرری به مبلغ ۱۵ هزار تومان در ماه.

۴۲

(۲) تضمین سلطنت وی و اعقابش در ایران از سوی

بریتانیای کبیر.

پس از بحثهای فراوان، انگلیسیها سر انجام حاضر شدند که احمد شاه و جانشینان او را مادام که بر وفق سیاست و صوابدید آنان حرکت کنند بر سرکار نگه دارند. ولی تقاضای اول احمد شاه پذیرفته نشد و به او اطمینان داده شد در صورت اجراء قرار داد و سامان یافتن وضع مالی ایران، وضع مالی او هم بهبود خواهد یافت. البته در اسناد وزارت خارجه بریتانیا می بینیم که احمد شاه

کنیم. من در جواب می گفتم: آقایان من راجل سیاسی نیستم، یک نفر آخوندم و از رموز سیاسی سردر نمی آورم، اما آن چیزی که استنباط می کنم در این قرار داد بداست، همان ماده اولش بد است که می گوید: ما انگلیسیان استقلال ایران را به رسمیت می شناسیم، این قرار داد می خواست استقلال مالی و نظامی ما را بگیرد چون اگر ایران بخواهد مستقل باشد همه چیزش باید دست ایرانی باشد، حالش، مالش، حیثیتش، چه اش، چه اش، اما این قرار داد یک دولت خارجی را در دو چیز مملکت شریک می کرد. در پولش و در قوه نظامیش» (۱۵).

مرحوم مدرس (ره) در مخالفت با ماده اول قرارداد که «انگلیس استقلال ایران را به رسمیت می شناسد» می گویند: این قرارداد می خواست استقلال مالی و نظامی ما را بگیرد چون اگر ایران بخواهد مستقل باشد همه چیزش باید دست ایرانی باشد.

مخالفتهای داخلی و خارجی علیه قرار داد:

سرپرستی کاکس طی گزارشی به لندن مخالفین قرار داد را چهار گروه معرفی می کند:

(۱) مدرس و امام جمعه خویی.

(۲) رقبای سیاسی وثوق الدوله.

(۳) صاحب منصبان قزاق.

(۴) سفارت فرانسه، آمریکا و روسیه.

پس از انتشار خبر قرار داد، در داخل کشور بسیاری، از جمله: شیخ محمد خیابانی در تبریز، و روحانیونی مانند مدرس و امام جمعه خویی در تهران، میرزا کوچک جنگلی در شمال، و جمعی از دموکراتها و سایر میهن دوستان، به مخالفت برخاستند.

آنها با بخش شبنامه ها و مقالات شدید اللحن بر ضد دولت، کار را بر وثوق الدوله تنگ کردند. علمدار این نهضت مرحوم مدرس و بعد امام جمعه خویی بود، در آن زمان بعضی از روزنامه ها نیز اشعار و مقالاتی علیه قرار داد چاپ کردند.

چنانچه ذکر شد مرحوم مدرس بیشترین سهم را در مخالفت با این قرار داد داشت. در جلسه تاریخی ۲۹ شهریور ۱۳۰۵ در مجلس می فرماید: «اما من طبق عقیده ای که داشتم

تازمانی که با نخست وزیری وثوق الدوله موافق بود ماهانه ۱۵ هزار تومان دریافت می نمود. (۱۸)

از بررسی اسناد مربوط به احمد شاه به دست می آید که او جوانی بود راحت طلب ، بدون عاطفه ، بدون علاقه به مملکت و مصالح آن و عاشق جمع آوری پول . او کسی بود که یکساعت عیش «منت کارلو» و سواحل دریای سفید را بر سلطنت و سعادت ایران ترجیح می داد ، و تنها معجزه ای که طرفدارانش برای او قائلند اینست که «با این قرار داد مخالفت کرد ، و به همین علت انگلیسها با او دشمن شدند و او را از سلطنت انداختند» . و حال اینکه اولاً با وجود مجلس ، مخالفت یا موافقت پادشاه ارزش قانونی نداشت ، و ثانیاً گرچه احمد شاه به ظاهر ابراز مخالفت نمود ولی این مخالفت ناشی از حس وطن دوستی او نبود بلکه به جهت مخالفت های شدید داخلی و خارجی بود که او را ناچار به ابراز مخالفت کرد ، و این چیزی جز ظاهر سازی و عوامفریبی نبود . بخصوص که درخواست رشوه او نیز از سوزی انگلستان پذیرفته شده بود. (۱۹)

سرانجام قرار داد:

به دنبال مخالفت های شدید داخلی و خارجی ، وثوق الدوله سعی کرد که مجلس چهارم را به نحوی تشکیل دهد که نمایندگان موافق او به مجلس راه یابند ، چون موفقیت خویش را درگرو تصویب قرار داد می دید و لذا انتخابات به طرز سالم برگزار نشد . در این مورد جراید و مطبوعات آن دوره انتقاداتی را علیه مجلس و شاه براه انداختند . و یکی از جرائد آن روز نوشت :

از يك طرفی مجلس ما شيك و قشنگ

از يك طرفی عرصه به ملبون تنگ

قانون و حکومت نظامی و فشار

اینست حکومت شتر - گاو - پلنگ (۲۰)

ولی نمایندگان فرمایشی مجلس چهارم در برابر فریادهای روشنگرانه مرحوم مدرس ، هرگز جرأت تصویب قرار داد را به خود ندادند .

حکومت انگلستان که این طرح خود را در ایران شکست خورده می دید تصمیم گرفت اهداف خود را در ایران از طریق روی کار آوردن دولتی قدرتمند در راستای سیاست های خود ، یعنی

حکومت دست نشانده رضا خان دنبال کند ، لذا عملکرد رضا خان در دوران حکومتش چیزی جز محتوای اصلی قرار داد ۱۹۱۹ م . نبود ، انگلستان پس از عدم تصویب قرار داد در مجلس ایران ، ظاهراً از پی گیری آن صرف نظر نمود ، و این عمل از تبلیغات ضد انگلیسی مطبوعات فرانسه و آمریکا کاست . به این ترتیب برگ دیگری از کتاب استعمار در ایران ورق خورد و استعمار پیر بریتانیا برای کسب منافع بیشتر از هیچ تلاشی فرو گذار نکرد ، و با استفاده از شرایط خاص آن زمان ، توانست با روی کار آوردن فردی مثل رضا خان متافش را در ایران ، لااقل تا بیست سال تضمین کند . استعمار انگلستان برای رسیدن به اهداف باطلش تلاش های فراوان نمود و حوادث زیادی را در ایران بوجود آورد که شرح آن حوادث خواهان مجال دیگری است .

پاد داسهها

- ۱- اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا در ایران ، ترجمه محمد جواد شیخ الاسلامی ، چاپ اول (تهران ، انتشارات کیهان ، ۱۳۶۵) ج ۱ ص ۹.
- ۲- عبدالرحیم ذاکر حسین ، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت (تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۶۸) ص ۷۸.
- ۳- اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا ، پیشین ، ص ۱۰.
- ۴- دنیس رایت ، انگلیسیان در ایران ، ترجمه غلامحسین صدیقی انتشار (تهران ، انتشارات دینا ، ۱۳۷۵) ص ۱۶۹.
- ۵- محمد جواد شیخ الاسلامی ، سیمای احمد شاه قاجار ، چاپ دوم (تهران ، نشر گفتار ، ۱۳۶۸) ص ۱۵۶.
- ۶- همان ، ص ۱۲۴.
- ۷- اسناد وزارت خارجه بریتانیا ، پیشین ، ص ۲۵.
- ۸- همان ، ص ۱۸.
- ۹- دنیس رایت ، پیشین ، ص ۱۷۰ ، و رجوع شود به دولت و حکومت در ایران ، دکتر شاپور روستائی .
- ۱۰- اسناد وزارت خارجه بریتانیا ، پیشین ، ص ۳۲۶.
- ۱۱- همان ، ص ۲۰.
- ۱۲- سید جلال الدین مدنی ، تاریخ سیاسی و روابط خارجی ایران ، چاپ اول (دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، ۱۳۶۹) ج ۲ ، ص ۳۳۰.
- ۱۳- اسناد وزارت خارجه بریتانیا ، پیشین ، ص ۲۹۳.
- ۱۴- ابراهیم فخرائی ، سردار جنگل ، چاپ دوازدهم (تهران ، چاپخانه زیبا) ص ۱۸۸.
- ۱۵- اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا ، پیشین ج ۱ ، ص ۱۳ و ۱۴ و ۱۸ . و رجوع شود به تاریخ تحولات سیاسی ج ۲ ص ۳۳۵.
- ۱۶- اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا ج ۱ ، ص ۳۱۴.
- ۱۷- همان ص ۱۹.
- ۱۸- همان ص ۳۸.
- ۱۹- مهدی ملک زاده ، تاریخ انقلاب مشروطیت ، (انتشارات علمی) ج ۷ و ۶ ص ۱۶۲۳.
- ۲۰- عبدالرحیم ذاکر حسین ، پیشین ، ص ۸۴ . و رجوع شود به انگلیسیان در ایران ، ص ۱۷۱.